

پیمان خازنی: موسیقی ایرانی هنوز هم گیشه دارد

چه شد که کار کافه عاشقی به اجرای سوم رسید؟

استقبال مخاطبان پیشین و درخواست‌هایی که داشتیم ما را بر آن داشت که برای سومین بار به فکر اجرای این اثر بیفتیم. گروه اجرایی کافه عاشقی هر بار با تغییرات تازه روی صحنه می‌رود که بتواند علاوه بر جذابیت‌هایی که برای مخاطب ایجاد می‌شود، برای اعضای گروه هم تازگی‌هایی داشته باشد. این بار دوم است که در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رویم و حجم قابل توجهی از بلیت‌ها نیز به فروش رفته است. جلال‌الدین دری کارگردانی است که تاریخ و ادبیات را می‌شناسد و هنگامی که به سراغ متنی مثل لیلی و مجنون نظامی می‌رود، تازگی‌هایی بر آن می‌افزاید که بیننده‌های متفاوتی با آن همراه می‌شوند.

آهنگسازی بر روی این مننوی از حکیم نظامی چطور انجام شد؟

موسیقی در کافه عاشقی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. قسمت اعظم آن چه روی صحنه اتفاق می‌افتد با موسیقی همراه است. من تلاش کرده‌ام با ابزار و ادوات موسیقی ایرانی و ملودی‌پردازی دستگاهی، نقشی کوچک در ادامه حیات این موسیقی نجیب و اصیل داشته باشم. ضمن این که این کار نشان می‌دهد که هنوز موسیقی ایرانی گیشه دارد و می‌توان با خلق ملودی‌های دلنشین مثل قطعه چشم جادو اکثریت قابل ملاحظه‌ای از مردم را با موسیقی ایرانی همراه کرد. من به این که می‌گویند عمر موسیقی ردیف دستگاهی سرآمده است، چندان اعتقادی ندارم.

علیرضا شفاهی:

نظامی در بازی با لغات مرزهای ادبیات را رد می‌کند

این دوره از زندگی تجربی و هنری تان در پیوند با حکیم نظامی گنجوی چگونه گذشت

با این سوال صحبت بزرگی را به یاد آوردم که گفته بود: بعد از خواندن آثار نظامی گنجوی دریافتم که شاعر هر کاری را که اراده کند، می‌تواند انجام دهد چرا که نظامی هر کاری را که خواسته بدون هیچ محدودیتی با همین دایره لغات به زیبایی هر چه تمام‌تر انجام داده است. پس اگر شاعر مدعی شود که محدودیتی در ساختار شعر و یا واژگانی ادبیات کهن فارسی است از بی‌سوادی و کم‌مهارتی اوست. همچنین روزی که استاد کاکائی مهمان ویژه نمایش ما بودند در انتهای نمایش با ایشان گپ و گفتی داشتیم که ایشان هم تأیید کردن حکیم نظامی بدون هیچ محدودیتی هر کاری را که دوست داشتند با لغات و جملات در شاعری کرده است. طوری که گویا نظامی در بازی با لغات مرزهای ادبیات را رد کرده و از جانی قصه سرانی می‌کند که هر کسی را به آن چاره‌ناست.

در مورد نقش خودتان در کافه عاشقی بگوئید.

در این نمایش من نقش ابن‌السلام را بازی می‌کنم. این نقش در تاریخ ادبیاتی ایران همواره به عنوان یک نقش منفور یاد می‌شود اما با این حال برای بنده و کارگردان مجموعه نکات ناگفته جالبی در این نقش بود که سعی کردیم با ارائه آن کمی از آن زهر منفوریت این نقش بگیریم و او را هم به تناسب شرایط یک مجنون از نوع عشق یک طرفه و شکست خورده قلمداد کنیم. ابن‌السلام در داستان لیلی مجنون مردی عرب و چندزنه است که به خواستگاری لیلی می‌آید، خانواده لیلی از این وصلت استقبال می‌کنند اما لیلی هیچ وقت روی خوشی به او نشان نداد و در خواست ازدواجش از سوی لیلی با طرد می‌شود. تا اینکه ابن‌السلام از عشق لیلی سر به بیابان گذاشته و بدون بارقه‌ای از گرمی و امید از مهر معشوق جان می‌سپارد.

چه جالب با این حساب ما با دو مجنون سر و کار داریم؟

بله اتفاقاً خیلی جالب‌تر اینکه در منظومه نظامی گنجوی، ابن‌السلام از عشق و فراق لیلی می‌میرد اما مجنون زنده می‌ماند. در بازخوردهای مخاطبان هم لحظه‌ای از نمایش که ابن‌السلام با خواندن اشعاری حزن‌انگیز صحنه را ترک می‌کند بسیار تأثیر گذار گفته شده است.

شعر ترک صحنه ابن‌السلام را بخوانید.

دائم که زمن فراق داری / روی دگری چراغ داری / اینک که زمهر تو چنین ام / آن به که تو را ز دور بینم

صحبت پایانی:

می‌دانم مردم از نظر اقتصادی در شرایطی سختی به سر می‌برند اما با این حال امیدوارم از ادبیات و موسیقی غنی فارسی پاسداری کنند. چرا که متولی خاصی برای حفظ این میراث کهن وجود ندارد. به همین خاطر خواهش‌ام از مردم است که؛ متولی حفظ و نگهداری و اشاعه فرهنگ اصیل ایرانی باشند و از موسیقی و ادبیات و نمایش ایرانی حمایت کنند.

است که از غنی‌ترین اشعار ادبیات کلاسیک ایران است و در کنسرت نمایش کافه عاشقی، از این اشعار و اشعار سایر شعرا از جمله جامی، توسط نویسنده این نمایش نامه جناب جلال‌الدین دری گرامی استفاده در سست و بجایی شده و در قالب داستانی همراه با موسیقی رفته شده که زحمت آهنگ‌سازی آن نیز به دوش پیمان خازنی عزیز بوده است. در این قالب این اشعار تأثیر بهتر و عمیق‌تری بر مخاطب می‌گذارد و مخاطبان عزیز را با فرهنگ و هنر غنی ایران در قالب کنسرت نمایش یا اپرت ایرانی بیش از گذشته آشنا می‌نماید. گفتنی است که محوریت اصلی و پرتنگ این اپرت ایرانی بر دوش موسیقی و آواز بنا شده که مسئولیت خوانندگان و همچنین آهنگساز رادو چندان می‌کند چرا که خوانندگان علاوه بر آواز خوانی و صحنه‌گردانی، بازیگری و دیالوگ هم دارند که صد البته بخش بازیگری کار برای خوانندگان بسیار دشوار بود و سینک کردن بخش بازیگری با خوانندگی کار سختی بود که از این طریق از صبوری و رهنمون‌های کارگردان جلال‌الدین دری عزیز سپاس‌گزار می‌کنم.

بنظر همکاری شما و پیمان خازنی مسیری هدف‌دار است که از

اثر هنری پروژه زمستان آغاز و به کافه عاشقی رسید. آیا جامعه باز هم شاهد همکاری این دو هنرمند خواهد بود؟

آثاری که در این سال‌ها با پیمان خازنی تولید کرده‌ایم، به نسبت سابقه دوستی و همکاری شاید کم به نظر برسد زیرا کمیت ملاک کار ما نبوده و دغدغه هر دوی ما، ماندگاری و تأثیرگذاری آثار بر اساس نیاز و حال و هوای جامعه بوده است. به همین منظور این آثار با وسواس بالایی تولید شده است. به نظر بنده دوستی سالم و همکاری درست تاریخ انقضاء ندارد.

حضور شما در کافه عاشقی و دست به دست شدن چشم جادو

سیلی از علاقمندان به موسیقی ایرانی را به سمت شما سوق داد موافقید؟

خدارا شاکرم که کنسرت نمایش کافه عاشقی مخصوصاً قطعه چشم جادو مورد استقبال مخاطبان عزیز واقع شده است. برای اینکه یک اثر موسیقایی مورد توجه مخاطب قرار بگیرد و ماندگار شود می‌بایست سه ضلع تشکیل دهنده آن که شامل شعر، ملودی و آواز است به طور دقیق و مناسب کنار هم قرار بگیرند و هر بخش کار خود را به درستی انجام دهد. همانطور که مستحضرید شعر این اثر از کارگردان و نویسنده کافه عاشقی آقای جلال‌الدین دری است به همراهی ملودی زیبا توسط پیمان خازنی که باز خورد خوبی را در بین مردم عزیز و مخاطبان تجربه کرده است. چشم جادو، با شعری همه‌فهم و انتخاب ملودی به جا و شیرین در دستگاه ابوعطا توسط پیمان خازنی رقم خورد که در ادامه ساخت ملودی به صورت هوشمندانه‌ای این اجازه و ابتکار عمل و آزادی به من داده شد تا روند ملودی را در این اثر بر اساس حالات درونی خودم نسبت به این ملودی زیبا، طراحی کنم تا با توجه به نوع آهنگ و حال و هوای آن از متربال مختص این کار و حالات منحصر به فرد این اثر بتوانم بهره ببرم. از اینکه مورد قبول مخاطبان فهیم موسیقی ایرانی واقع شده خدارا شاکرم.

چه شد که کافه عاشقی، پر فروش و پر مخاطب شد؟

اگر بخواهم جواب این سوال شما را مختصر و مفید بدهم داستان همیشه محبوب لیلی و مجنون، ملودی‌پردازی روان و زیبا، اجرای عزیزان خواننده و بازیگران، همدلی و انسجام بین تک‌تک اعضا و همچنین خوانندگی بانوان عزیز و هنرمند در این اجرا به صورت تک‌خوان که از نظر کمیت و کیفیت در نوع خود کم‌نظیر است، باعث موفقیت کافه عاشقی شده است.

در انتخاب هیأتان دقت بالا و علاقمندی به حضور در

موسیقی سنتی دستگاهی کاملاً مشهود است. ممکن است بنا به شرایط روزی شاهد خروج تان از موسیقی سنتی باشیم؟
موسیقی کلاسیک ایرانی چه در بخش آوازی و چه در بخش تصنیف، همیشه گیشه دارد و خواهد داشت، آواز خوانی حرفه‌ای و به دور از کلیشه همچنان شنونده خود را دارد و خواهد داشت و مخاطب فهیم موسیقی ایران همیشه هنرمندان خوب خود را شناخته و به موقع حمایت کرده‌اند. نور همیشه روزنه را می‌یابد.

بسیاری از خوانندگان سنتی به سمت موسیقی الکترونیک

و پاپ سنتی رفته‌اند دور نمای شما چگونه است؟
به عقیده بنده موسیقی ایرانی علی‌رغم اینکه می‌گویند کم مخاطب است، مخاطب بسیاری دارد. اما باید پذیرفت که به دلیل تغییرات عمده‌ای که در تمام ابعاد و سبک زندگی مردم صورت پذیرفته است ذائقه احساسی و موسیقایی‌شان را نیز تغییر داده است.

نظر عناصر سبکی و هنر قصه‌پردازی منسجم‌تر و استخوان‌دار تر از اثر جامی است.

از مراحل آماده شدن اثر نمایشی کافه عاشقی بگوئید؟

این نمایش را در سال ۱۳۹۷ با نام لیلی و مجنون در سالن شهرزاد با یک گروه دیگر به مدت ۸ شب اجرا کرده بودم. تا اینکه بعد از چند سال کنگره ادبی حکیم نظامی گنجوی از اجرای مجدد این اثر استقبال و در اخبار رسانه‌ای از اجرای مجدد نمایش لیلی مجنون اطلاع‌رسانی کرد. در واقع من این اثر را برای کنگره آماده اجرا کردم، اما بعد از مدتی که اجرا آماده شده بود این کنگره حتی تماس‌های ما را هم جواب نداد. وقتی دیدم گروه بسیار مشتاقانه در انتظار اجرا هستند، تصمیم گرفتم به صورت مستقل لیلی مجنون را با نام کافه عاشقی و تغییرات کیفی با لاد در سالن شهرزاد اجرا ببریم. خوشبختانه با نظر به استقبال مخاطب بعد از نمایش پرده خانه، نمایش کافه عاشقی از پر فروش‌ترین اجراهای تئاتر امسال بوده است. البته تعداد اجراهای پرده خانه بیش از کافه عاشقی بوده است. این نمایش موزیکال سه داستان را به صورت موزایی با سه سبک متفاوت از اجرا تلفیق کرده است.

نظر تان راجع به این مسئله که در زمانه امروز چراغ تئاتر به دست خود تئاتری‌ها در حال خاموش شدن است را با ما در میان بگذارید.

هنرمند با مردم از تباط مستقیمی دارد به همین دلیل بعضی هنرمندان فکر می‌کنند باید کاری کنند که مورد تأیید و رضایت مردم باشند. در حالی که هنرمند باید پیشرو و در جلوی مردم حرکت کند نه پشت سر مردم! درست است که هنرمند برای دیده شدن اثرش متکی به مردم است، اما نیاز به دیده شدن و محبوب بودن باعث بوجود آمدن هنرمندانی شده است که بیشتر مردمی‌نما هستند تا مردمی. این هنرمندان بدون توجه به اینکه کارشان درست است یا نه؟ فقط منتظرند ببینند مردم از آنها چه انتظاری دارند! تا همان کار را بکنند. برخی دیگر از این دوستان هم اثری برای ارائه ندارند و مدت بیکاری خود را به حساب اعتصاب می‌گذارند. بخش دیگر این موضوع هم این است که برای عموم مردم کار هنری و تماشای اثر هنری یک تفریح به حساب می‌آید و با همین دیدگاه تولید آن را در این زمان ممنوع اعلام می‌کنند. این در حالی است که تولید اثر هنری برای هنرمند یک شغل است نه تفریحی برای گذراندن اوقات فراغت! هنرمند برای گذران زندگی‌اش هیچ تخصص و منبع درآمد دیگری ندارد. البته برای من و بسیاری دیگر از دوستان در این حوزه تئاتر منبع درآمد نیست.

میثم اکبری:

نور همیشه روزنه را می‌یابد

چه شد که حضور در کنسرت نمایش کافه عاشقی را پذیرفتید؟

داستان لیلی و مجنون جزء مشهورترین و قدیمی‌ترین داستان‌های عاشقانه جهان محسوب می‌شود که حکیم نظامی گنجوی در پنج گنج به زیبایی هر چه بیشتر سروده

